

اول هرگار
بسم الله
الرحمن
الرحيم

پتوی پیکره

تیگو داپو



بچه‌های نازنینم،
تا الان همه داستان‌های
چهره‌ها را خوانده‌اید؛
اما داستان پرماجراي اين كتاب
يک چيز ديگه ست....

نقشه‌روشان



سعيد شيراني

سلام بچه‌ها،
اميدوارم توي اين تجربه جديد
دنياي شاد و زيبايي رو براتون
خلق کرده باشم.



سلام

جان

خوندن کتاب‌های با حال،
خیلی حالمون رو خوب می‌کنه
امیدوارم حالت همیشه خوب باشه

امضا:



سلام

ما چند تا پدر و مادریم که بچه‌هامون دارن
هر روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شن و مثل شما دوستای گل‌مون
کتابخوندن رو خیلی خیلی دوست دارن.
کلی گشتیم تا کتاب‌هایی برایشون پیدا کنیم که:

۱. قصه‌ها و ماجراهای ایرانی و یه جورایی داستان زندگی خود
ما باشه و با فرهنگ و تربیت ما بخونه و دوستش داشته باشیم.
۲. متنی قوی و جذاب داشته باشه که پر از شوخی‌های خوشمزه و
داستان‌های شیرین باشه تا لذت مطالعه رو چند برابر کنه.
۳. نویسنده و تصویرگر و طراح و همه تولیدکنندگان
آدمای باحال و حرفه‌ای باشند.
۴. برای تولید اون اثر، وقت کافی گذاشته باشند و مطالعه
و مشورت کرده باشند تا کتابی با متنی قوی
و شکلی جذاب و خوش‌دست و خوشگل تولید بشه.



۵. بعد از تولید اولیه کتاب، از آدم حسابی‌های اون رشته و از همه مهمتر از خود بچه‌ها نظرسنجی کنند و کتاب رو چندین بار قبل از چاپ اصلاح کنند. و دقت‌های دیگه که انتخاب رو برای ما مشکل می‌کرد. اگه بی‌انصافی نکنیم باید بگیم کتاب‌هایی وجود داشت که بعضی از این ویژگی‌ها رو داشته باشه؛ اما متأسفانه خیلی کم بودند، پس به عشق شما بچه‌های گلمون آستین رو بالا زدیم و برای شما نازنین‌ها بخش کتاب‌های کودک و نوجوان مهرستان رو سیره علوی راه‌اندازی کردیم.

خدای مهربونی که شما مهربون‌ها رو به ما امانت داده، می‌دونه که ما به عشق شماها در این راه پا گذاشتیم و بی‌صبرانه منتظریم تا کارهای ما رو بخونید. قضاوت کنید و نظراتتون رو از طریق www.mehrestan.ir برامون بفرستید و مطمئن باشید که با بیشترین تلاش سعی می‌کنیم خودمون رو اصلاح کنیم.

مهرستان

اینجا خانه شماست.

فهرست

فصل دوم: یک جای باحال اخلاق خوب کن! ۶۱



فصل یکم: دوستان یواشکی! ۱۱



فصل ششم: من بی تقصیرم! ۶۷



فصل پنجم: وقتی دایو عصبانی می شود ۵۷



فصل دهم: سفر پتویی ۱۱۳



فصل نهم: آماده برای پرواز ۸۴



فصل سوم: دلیوجان طاقت بیاور!



فصل چهارم: یک کادوی غولدار!



فصل پنجم: خیال راحت هم چیز خوبی است!



فصل ششم: قیافه‌های دیدنی!



فصل هفتم: شیشه‌های شکسته

فصل هشتم: ایرانی یا خارجی؟





چه کسی می‌تواند چشمش را روی این لواشک‌ها ببندد و از کنارشان

بی‌خیال رد شود؟

من؟

دایو؟

نانا؟

داداش نوید؟

مینوکوچولو؟

بابا؟

مامان؟

هیچ‌کس! هیچ‌کس نمی‌تواند این کار را بکند؛ چون مادر بزرگ

من در درست‌کردن لواشک، در دنیا نفر اول است. هر وقت لواشک

برایمان می‌آورد، در خانه ما جنگ جهانی لواشک به راه می‌افتد؛

چون داداش نوید همیشه دلش می‌خواهد بیشتر از من لواشک

داشته باشد و من هم می‌گوییم؛ چون مینوکوچولو نمی‌تواند لواشک